

درنگی در آرای ایران شناسان پیرامون

## خلق و خوی ایرانیان

مهندس مصطفی میرسلیم

### مقدمه

توجه به ایران و ویژگیهای رفتاری ایرانیان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گسترش یافت و مراکز متعددی به ایران شناسی و شناخت ایرانیان پرداختند یا بدان منظور تأسیس شدند، تا درک کنند چگونه ملت ایران توانست به چنان موفقیت بزرگی دست یابد و مشکلات متعدد و متنوعی را که پس از آن پدید آمد یکی پس از دیگری به اذن خدا تجزیه کند و بر آنان فایق آید.

خلق و خوی ایرانیان، با دقت یا بی دقت، از سر دلسوزی و خیرخواهی یا از روی غرض ورزی و کینه توزی، صادقانه و عالمانه یا مزورانه و با تحریف نگاشته شده است که یکی از آن کتابها، اثر سیدمحمدعلی جمالزاده است\* و نوعی تلخیص و استنتاج از کتب متقدمان نیز محسوب می شود. در این مقاله به نقد آن کتاب و نظریه و سپس نتیجه گیری پرداخته شده است. به طور کلی می توان گفت که کتب مورد اشاره در پنج دسته قابل تقسیم می باشد:

اما این مطالعات و اظهارنظرها دارای سابقه ی طولانی است و مطالب بسیار زیادی درباره ی

۱. محمدعلی جمالزاده، *خلفیات ما ایرانیان*، آلمان: انتشارات نوید، آبان ۱۳۷۱، (چاپ اول کتاب در فروردین ۱۳۴۵ منتشر شده است).

- ۱- منتقدان ایرانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی؛ غیاب؛  
 ۲- دانشمندان ایرانی پس از اسلام؛ ۵- رشوه و پیش کش و حق حساب؛  
 ۳- دیگر دانشمندان مسلمان؛ ۶- دزدی و از زیر کار در رفتن و حقه بازی و  
 ۴- مستشرقان و سیاحان غیرمسلمان؛ بی وفایی و احتکار؛  
 ۵- مورخان دوران باستان. ۷- دورویی و نفاق و تزویر و مکر و تقلب و ریا؛  
 آنچه آنها بیان کرده اند، یا درباره ی صفات ۸- تملق و چاپلوسی و دنائت و وقاحت و  
 ناپسند است یا درباره ی ملکات اخلاقی، و البته فروتنی نسبت به زبردستان و چاکر صفتی؛  
 به طور کلی به ویژگیهای جبلی انسان برمی ۹- تنبلی و رخوت و خوش گذرانی و  
 گردد و جالب اینکه همه ی صفات خوب و بد بازی گوشتی؛  
 را در بر می گیرد، ولی: ۱۰- اعتیاد، لابلالی گری، بی بند و باری، هیزی،  
 تبصره ۱: این صفات، بسته به شرایط عیاشی؛  
 تاریخی و خصوصیات جغرافیایی، کم و بیش، با ۱۱- خشونت در جنگ و بی رحمی؛  
 شدت و ضعف در هر ملتی در جهان وجود ۱۲- قانون گریزی و بی انضباطی؛  
 داشته و بالقوه موجود است. ۱۳- اهل حرف بودن و غلو کردن؛  
 تبصره ۲: همه ی این صفات در همه ی افراد ۱۴- حسد، عناد، عدم اعتراف به ضعف؛  
 به یک اندازه نیست، بلکه بسته به شرایط تربیتی ۱۵- پستی و فرومایگی و بنده صفتی و خست و  
 خانوادگی و اوضاع اقتصادی و نیز جایگاه حرص و بخل؛  
 اجتماعی و بالاخره اراده ی افراد بر خودسازی ۱۶- بسیار محتاط، بدبین و شکاک بودن؛  
 و آدم شدن، لطیف و دقیق یا خشن و درشت ۱۷- مستبد بودن نسبت به زبردستان؛  
 می شود. ۱۸- بی جرأتی و جبن؛  
 ۱۹- بی توجهی به علم و تحقیق و تمدن؛  
**الف- صفات ناپسند** ۲۰- کم عقلی و بی وجدانی و اعتقاد به خرافات؛  
 ۱- دروغ گویی و بی ادبی و پیمان شکنی و ۲۱- ترجیح خود و منافع خود بر مصلحت عمومی  
 بد اخلاقی به نام دین؛ جامعه؛  
 ۲- خود ستایی، خودنمایی، خود فروشی، تفاخر، ۲۲- کتمان عقاید، تقیه.  
 تکبر؛  
 ۳- حمیت جاهلی، تعصب، وطن پرستی کاذب؛ **ب- ملکات اخلاقی**  
 ۴- قسم خوردن، غیبت کردن، ناسزاگویی در ۱- ادب و تعارف و سلام و راستگویی؛

۲- مهمان‌نوازی، غریب‌نوازی، مهربانی و خوش‌برخوردی؛  
 ۳- هنر، ادبیات، شعر و طنز، فصاحت؛  
 ۴- شهرسازی و تمدن؛  
 ۵- صبر در سختیها و تحمل سختیها و قناعت؛  
 ۶- پشتکار در تعلیم علوم تا سرحد اشتها؛  
 ۷- هوش و تشخیص‌اهم از مهم؛  
 ۸- ابتکار و زرنگی و موقع‌شناسی؛  
 ۹- علاقه به طبیعت و هواخوری؛  
 ۱۰- ظلم‌ستیزی در عین مظلومیت، حق‌جویی؛  
 ۱۱- شجاعت و فداکاری و جرئت؛  
 ۱۲- ایمان و پابندی به مذهب؛  
 ۱۳- بزرگواری و سخاوت‌مندی؛  
 ۱۴- حاضر جوابی و خوش‌زبانی؛  
 ۱۵- اهل عمل بودن؛  
 ۱۶- متانت و وقار و نجابت؛  
 ۱۷- ذوق و نکته‌سنجی و دقت؛  
 ۱۸- علاقه‌مندی به سرزمین نیاکان؛  
 ۱۹- سلامت و نیرومندی؛  
 ۲۰- وفاداری و فداکاری؛  
 ۲۱- سطح فکر برتر نسبت به همسایگان، روشنفکری؛  
 ۲۲- احترام صادقانه به درستی و پاکی.

## ۲- آداب و رسوم عشایری

اقوامی که از دیر باز در ایران می‌زیسته‌اند، در جامعه‌ی عشایری، از خصصتهایی برخوردار بوده‌اند که متأثر از فرهنگ و زندگی عشایری است: خان سالاری و تبعات آن، کوچ سالیانه‌ی بیلاقی و قشلاقی و عادت کردن به سبک‌باری، پذیرش سختیها و زحمات و خطرها و صبر در شداید، ساده‌زیستی و انس با طبیعت، جهل و حمیت و تعصبهای جاهلی و قبیله‌گی، سیطره‌ی آداب و رسوم خرافی، خشونت و نزاع و کشتار جمعی، مهمان‌نوازی و غریب‌نوازی و مهربانی نسبت به دیگران به دلیل گله‌داری و انزوای مداوم و عدم آمیزش با دیگر طوایف، فداکاری و وفاداری از صفات بارز اقوام عشایری است.

## ج- ریشه‌های ویژگیهای اخلاقی

### ۱- تمدن ممتد چند هزار ساله

ایران یکی از قدیمی‌ترین تمدنها را برپا داشته که آثار کشف شده‌ی آن به بیش از پنج هزار

### ۳- استبداد

ادامه‌ی خان سالاری عشایری با نیت گسترش دامنه‌ی نفوذ و توسعه‌طلبی، به شکل گرفتن حکومت‌های استبدادی در سلسله‌های مختلف انجامیده است. تقریباً تمام سلسله‌های پادشاهی در ایران دارای منشاء خان سالاری عشایری است. هر چند خان سالاری در جوامع عشایری ممکن است حاوی منافع باشد، ولی وقتی در تشکیلات حکومتی به صورت استبدادی ظاهر می‌شود مفاسدی را در جامعه می‌آفریند از جمله رواج گرفتن تملق و چاپلوسی و ذنات و چاکر صفتی در مردم برای جلب توجه مرکز قدرت نسبت به خود و تأمین و تضمین منافع خود و خانواده‌ی خود.

استبداد برای تحکیم خود مبادرت به ساخت و سازهایی می‌کند یا درصدد برمی‌آید آثار گذشتگان را با تخریب به فراموشی بسپارد. پس با برپا کردن آثار جدید هم به سازندگی در زمینه‌ی تمدنی می‌پردازد و هم موجب ضایع شدن میراث فرهنگی می‌شود. استبداد برای ماندگاری احتیاج به تبلیغ سیاسی دارد و بدان منظور به جذب اهل هنر و ادب می‌پردازد و آنها را برای نیل به مقاصد خود تشویق و تقویت می‌کند و به این ترتیب ذوق‌های هنری و ادبی و علمی متناسب با درک و شعور مستبدان حاکم رشد می‌یابند، ولی دنباله‌ی آنها می‌تواند کاملاً مستقل از مستبدان راه کمال را در استغناء طی کند البته با تحمل مرارت.

استبداد تمام تصمیمات و انتصابات را در خود خلاصه می‌کند و این منشاء اصلی بروز قانون‌گریزی در مردم می‌شود و رشد صلاحیتها را متوقف می‌سازد.

### ۴- یورشهای استکباری بیگانه

در چند نوبت قدرتهای بیگانه مبادرت به کشورگشایی کرده‌اند و از جمله سرزمین ایران زیر تاخت و تازهای سفاکانه‌ی آنها قرار گرفته و باعث ویرانی و کشتارهای جمعی و هدم آثار فرهنگی و تمدنی و استضعاف مردم ایران و سرنگونی حکومت‌های محلی شده است. مهم‌ترین یورشهای استکباری، یکی یورش اسکندر است که به انقراض هخامنشیان انجامید، دیگری یورش چنگیزخان مغول است که از جمله به برچیده شدن خوارزمشاهیان منجر شد و تقریباً یک قرن و نیم پس از آن هم ایران رنجور مواجه با یورش تیمور لنگ و کشتار و خرابیها جدید می‌شود. هم خود آن یورشها و هم بازماندگان یورشگران یعنی سلوکیان پس از اسکندر مقدونی و ایلخانان پس از چنگیز و تیموریان پس از امیر تیمور که سلطه‌ی هر کدام تقریباً به مدت صد سال به درازا کشیده است، آثاری منفی را در کشور ما به جای گذاشته است. هر چند بالاخره فرهنگ قویم و تمدن کهن ایرانی و صبر و پایداری ایرانیان جانشینان یورشگران را در تمدن ایرانی هضم می‌کند، آثار تخریبی به جای مانده بر خلق

و خوی ایرانیان ناچیز نیست: ریشه‌ی بسیاری از دروغ‌گوییها و قسم خوردنها و کتمان عقاید، که برای دفع خطر ظالم خونخوار بوده، از همین جاست. دل‌ندادن به کار، تبلی و رخوت، گوشه‌گیری و حتی کارشکنی به رسم مبارزه‌ی منفی بدان دورانها برمی‌گردد که البته انگیزه‌ی آن خاطرات گذشته توأم با اقتدار بوده و این هم به نوبه‌ی خود چیزی جز صفت خودستایی و تفاخر و تعصب و وطن پرستی راه، در ایامی که بیش از همیشه افتخارات و اعتقادات و آب و خاک در خطر می‌گرفته، نشان نمی‌دهد. البته در این دورانهای تاریک، ایرانیان با هوش و فراست خود در دستگاه حکومتی کشور گشایان نفوذ می‌کردند و سعی می‌نمودند ابتکار عمل را در دست گیرند. همین تشخیص درست تاریخی

گذشتگان ما بود که باعث شد از ایران و تمدن ایرانی چیزی باقی بماند و در اثر آن یورشها از صحنه‌ی روزگار محو نشود. بسیاری از قیامهای حق طلبانه و مبارزات ظلم ستیزانه به همین دورانها برمی‌گردد که نتیجه‌ی صفت عدالت‌جویی و حق‌خواهی ایرانیان در عین مظلومیتشان است.

##### ۵- تحولات مذهبی

اگر دوران ظهور زرتشت را حدوداً ۳۷۰۰ سال پیش فرض کنیم، دوران حکومت عیلامیها در ایران که آغاز آن به حدود شش هزار سال پیش برمی‌گردد، با نوعی بت پرستی و شرک همراه

بوده است، چنان که بقایای معبد چغازنبیل در عصر طلایی عیلامیها یعنی ۳۳۰۰ سال پیش گواه آن است. انحرافات و تاریکیهایی که زرتشت در میان اقوام ایرانی برای برطرف کردن آنها به ابلاغ رسالت پرداخته بود، در قرنهای بعد کاملاً محو نشد، بلکه حتی در آیین زرتشتی هم نفوذ کرد. دوران اشکانی به لحاظ مذهبی در ایران درخشان نیست، جز اینکه بخشی از ایران به دین عیسی می‌گروید. پس از آن شاهد ظهور مانی و سپس مزدک می‌شویم و بر اثر آن، اوضاعی که به لحاظ مذهبی نشان از آشفتگی دارد و آثاری هم چون دورویی و نفاق را به وجود می‌آورد و در پایان انحطاط ساسانیان به استقبال ایرانیان خسته از تزویر و مکر و در طلب حق و عدل، از اسلام منجر می‌شود.

ایرانیان مسلمان رسته از خرافات و فشارهای ساسانی با تمام هوش و ابتکار خود در طول دویست سال به کسب نور از اسلام می‌پردازند و سپس موجب پیشرفتهای عظیم و بی‌نظیر علمی و فرهنگی از قرن سوم تا قرن هفتم می‌شوند. این روند اقتدار و شکوفایی علمی پس از یورشهای چنگیز و تیمور کُند و تقریباً متوقف می‌شود. ایرانیان مظلوم پرچم امام حسین علیه‌السلام را با قیامهای حق طلبانه به دست می‌گیرند تا اینکه با روی کار آمدن صفویان و رسمیت یافتن مذهب تشیع جان دوباره‌ای در کالبد نزار ایران دمیده می‌شود که علی‌رغم انحرافات متعدد مذهبی پس از آن هم

چون بابی‌گری و بهای‌گری و وهابی‌گری به ویژه در دوران سلطنت قاجار و پهلوی، ایرانیان را به درک مجدد ارزشهای اسلام و اخیراً به پیروزی انقلاب اسلامی می‌رساند.

#### ۶- ظلم و جور سلاطین

از شروع تمدن عیلامی تا استقرار جمهوری اسلامی شاید بیش از سیصد پادشاه بر ایران حکم رانده‌اند. تعدادی از آنها معتدل و باعث پیشرفت و سربلندی ایرانیان بوده، ولی بیشتر آنها شاهزاده‌های کم‌لیاقت یا بی‌لیاقت، سفاک، شهوتران، ظالم و حتی خائنی بوده‌اند که به ترتیب زمام امور کشور را به دست گرفته و بر کرده مردم سوار شده‌اند. مردم ایران برای در امان ماندن از ستم شاهان در این چند هزار سال اقداماتی کرده‌اند و هر دسته خصلتهایی کسب نموده‌اند. عده‌ای به صبر و مقاومت پرداختند و از اجرای منویات طاغوت سر باز زدند و احکام و مقرارت او را عملاً زیر پا گذاشتند، عده‌ای بی‌تفاوت و منزوی شدند، عده‌ای به یأس و بدبینی و اعتیاد مبتلا گشتند، عده‌ای به تقلب و تزویر روی آوردند، بسیاری نیز سخت محتاط و به همه چیز شکاک شدند و برخی هم عیاری و دزدی پیشه کردند؛ متأسفانه مدت زمان حکومت این سلاطین جائز و حکام فاسد کم نبود و لذا به مرور ایام خصلتهای واکنشی مردم بعضاً به صورت رذیله‌ای در وجودشان تثبیت شد و کاری که اضطراراً بدان مبادرت ورزیده

بودند عادتشان شد و از این رو امروز اصلاح آن عادات زشت دشوار است و زمان می‌برد.

#### ۷- رفتارهای ناپسند اطرافیان شاهان

کارگزاران پادشاهان نالایق و ستم پیشه، خود مصایب فراوانی برای مردم ایجاد کردند. زندگی روزمره را بر خلق الله حرام می‌کردند: اگر سلطانی میوه‌ای از درخت باغ مردم می‌کند، آنها به خود حق دادند درخت را از ریشه برکنند. اگر حاکم فاسق بود اطرافیان او بی‌بند و باری را به منتهای پلیدی آن می‌رساندند. در مقابل این رفتارهای ظالمانه، برخی از مردم به بی‌انضباطی و لابلالی‌گری می‌افتادند، عده‌ای برای رسیدن به منافع خود، مطامع اطرافیان حاکم را بارشوه دادن پاسخ می‌گفتند، عده‌ای هم به صورت واسطه و کاسه‌لیسان آنها در می‌آمدند. در مقابل آنها افراد فهمیده‌ای به بیان حق و نهی از منکر می‌پرداختند، البته نه همیشه صریحاً بلکه بیشتر به زبان طنز یا شعر و با به کار گرفتن ذوق هنری.

#### ۸- شرایط اقلیمی و جغرافیایی

ایران کشوری کوهستانی و نیمه خشک یا در بعضی نقاط کویری - بیابانی است. شرایط زندگی نسبتاً سخت است و مقاومت در مقابل سرما و گرما را طلب می‌کند، سالهای کم‌آبی به کم‌محصولی و نوعی قحطی می‌انجامد. این سختیها مردم را وادار به تدبیر و برنامه‌ریزی

کرده است. ابتکارهای فنی مختلف آب رسانی و ذخیره‌ی آب، قناعت و سازش با فقر و سخت کوشی برای زنده ماندن با آبرومندی در عین تنگ دستی از نتایج آن است. به لحاظ جغرافیایی ایران در چهارراه مبادلات بازرگانی و فرهنگی قرار داشته است تا روزگاری که جاده ابریشم اهمیت خود را از دست داد. همین جایگاه جغرافیایی باعث توجه ایرانیان به مبادلات مختلف و تجارت و سود شده است و در نتیجه بسیاری از خصلتها که به شرایط این نوع کسب و کار برمی‌گردد و در برخی از حالات با دست و دل بازی و در برخی دیگر با خست توأم است، علایم خود را بروز داده است، ضمن اینکه احتکار و کم‌فروشی و چانه زدن و بازار گرمی کردن و سرکیسه کردن را رواج داده و در برخی هم تمایل به تقلب و قاچاق را قوت بخشیده است.

### د- چاره جویی

با پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از ضعفهای اخلاقی مخفی شد و بسیاری از زیباییهای اخلاقی ظاهرگشت. بی‌وفایی و دروغ و چاپلوسی رنگ باخت و ایثار و درستی و خدمت به دیگران قوت گرفت و نشانه‌ای شد از اصالت پاکي سرشت مردم و ثانوی بودن نقصهای اخلاقی.

اما با توجه به اینکه خلق و خو جزو طینت انسان است، صفات پسندیده به آسانی به دست نمی‌آید و خصلتهای ناپسند هم یک باره ناپدید

نمی‌شود، بلکه برنامه‌ریزی فرهنگی و اهتمام ویژه را به تمرین کردن برای کسب ملکات اخلاقی و پاک شدن از رذایل طلب می‌کند و این تمرین مستمر و اهتمام بلیغ باید چندین نسل دوام یابد تا بتواند آثار زشت دیر پای به ارث رسیده را از دوران ستم شاهی و طاغوت از قلوب و افکار ما بزدايد، والا با اولین و سوسه‌های شیطانی و شرایط نامساعد فرهنگی با بازگشت ویژگیهای منفی مواجه می‌شویم. در این راه چند اقدام اساسی اولویت می‌یابد:

### ۱- اولویت دادن به احیای ظرفیتهای فرهنگی

هدف این اقدام از یک سو تحکیم ویژگیهای مثبت و استعدادهای خدادادی و تسهیل شکوفایی کامل آنها و فراهم آوردن امکان تشعشع آنها در جهان و از سوی دیگر زدودن آثار خفت بار دوران ستم شاهی و یورشهای استکباری علیه ملت ایران است. آثاری که به مقتضای شرایط تاریخی و اضطراب ناشی از ظلم منجر به بروز صفات ناشایست شد. بدان ترتیب، استعدادهای هنری و ادبی و فرهنگی رشد می‌کند و به محور لایبالی‌گری و بی‌بند و باری و اعتیاد و خودباختگی که آثار هجوم فرهنگی بیگانه است نزدیک می‌شویم.

### ۲- استقرار عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی بر مبنای اشتغال هر چه گسترده‌تر و در چارچوب برنامه‌ی سازندگی و

توسعه‌ی پایدار کشور با توجه به ظرفیت فرهنگی ایجاد شده است. به این ترتیب تبعیضهایی که ریشه‌ی نابرابری و در نتیجه دزدی و تجاوز است حذف می‌شود و خلاقیت جایگزین تنبلی و رخوت می‌شود. برنامه‌ریزی استفاده‌ی با دوام از سرمایه‌ها و امکانات، جانشین بهره‌گیری سریع و کم بازده از سرمایه‌های نسل امروز و فردای کشور می‌گردد.

حذف چابلوسی و تملق نسبت به مقامات است. احترام به قانون طریقه‌ی ریشه‌ای پاک کردن آثار دوران استبداد است. احترام به قانون و تمرین اجرای قانون در حکم احترام به شخصیت مستقل و آزاده‌ی خویش است، مستقل از سلطه‌ی اراده‌ی خان و حاکم مستبد و شاه و آزاد از بندهای خفت بار و چاکرپرور و خود پرست طاغوتی. با مراعات قانون است که امکان رشد استعدادها، استقرار نظم و امنیت، تربیت صحیح و ریشه‌دواندن عدالت و مساوات و حق فراهم می‌آید و چه چیز درخشان‌تر از حق و زیباتر از عدل؟ پس به‌طور خلاصه چاره‌ی مفاسد و ضعفها و نقصهای دوران طاغوت به ترتیب در -بازیابی فرهنگی و خودسازی - تلاش بی‌وقفه برای رشد همه جانبه - مبارزه بنیادین با ستم - استقرار قانون و نظم فراگیر است.

### فصل ضمیمه - فهرست منتقدان ایرانی و غیر ایرانی (مستشرقان و مورخان)

\* منتقدان ایرانی معاصر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی:

- ۱- میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی
- ۲- میرزا عبدالحسین کرمانی
- ۳- میرزا نعیم سدهی
- ۴- میرزا محمدخان قزوینی
- ۵- سیدحسن تقی زاده
- ۶- ابراهیم خواجه نوری

### ۳- مبارزه با اشکال مختلف ظلم

این مبارزه باید به صورت علمی و عملی باشد، یعنی تمام مصداقهای ظلم بررسی و ریشه‌یابی و علل پدید آورنده‌ی آن شناسایی شود و سپس برای حذف آن عوامل و خنثی کردن علل بروز ظلم برنامه‌ریزی اجرایی شود به گونه‌ای که هرکس، هر روز خود را در ظلم ستیزی سهیم ببیند و ایرانیان برای سایر ملل سر مشق ریشه‌کنی ظلم در دنیا شوند. آثار غیر مستقیم آن رنگ باختن سنتهای جاهلی و تعصب بی‌منتها و تفاخر بی‌معنی است.

### ۴- حکومت حق و قانون

دوام و بقای جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نمونه‌ی حکومت حق و قانون، سنت حق‌مداری را بر پا خواهد کرد. نتیجه‌ی آن، مراعاتشان و احترام و حقوق سیاسی و اجتماعی یکدیگر، حذف قانون‌گریزی، استقرار ضابطه‌ی صلاحیت به جای خویشاوندگرایی و جناح‌بازی سیاسی،



- ۷- الکسی سولتیکوف  
۸- راولینسون  
۹- سرجان ملکم  
۱۰- گوینو  
۱۱- سرجان مک دونال  
۱۲- هانری مارتین  
۱۳- سره. پوتینگر  
۱۴- گوستاولوبون  
۱۵- تئودور نولدکه  
۱۶- کونراد برکوچی  
۱۷- سرپرسی سایکس  
۱۸- دکتر فوریه  
۱۹- کلمان هوا  
۲۰- هانری ماسه  
۲۱- استلین میشو  
۲۲- ونسان مونتی  
۲۳- دکتر پولاک  
۲۴- ژان لارتگی  
۲۵- دنکس فاربس  
۲۶- جان شیرمان  
۲۷- هانری گوبلو  
۲۸- دوروته آوتر
- \* دانشمندان منتقد ایرانی پس از اسلام:  
۱- عبدالله ابن مقفع  
۲- شیخ اجل سعدی  
۳- وحشی بافقی  
۴- جلال الدین محمد بلخی  
۵- عمیق بخارایی
- \* دانشمندان منتقد مسلمان غیر ایرانی:  
۱- متنبی  
۲- غازی غرای خان تاتار  
۳- روشنی بیک
- \* مستشرقان و سیاحان:  
۱- جیمز موریه  
۲- گوته  
۳- براون  
۴- کورنی لوبروین  
۵- شاردن  
۶- ولتر
- \* مورخان دوران باستان:  
۱- هرودوت  
۲- پلوت  
۳- آمی ین مارسلین